

جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان

محمد آشوری*

استاد گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

شادی عظیم زاده

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۶/۸)

چکیده:

پایداری در بزهکاری با افزایش بحران بزه در جوامع، از دهه ۱۹۸۰ میلادی مورد توجه جرم شناسان واقع شد. وضعیتی که در آن بزهکاران پیش‌رس، در صورت عدم مدیریت عدالت کیفری در بستری خطر ساز گرفتار شده و در نتیجه آن، بزهکاران بالقوه پایدار امروز به بزهکاران پایدار فردا تبدیل می‌گردند. در کنار بسترهای جرم زای زیستی، روانی و اجتماعی، رویکرد عدالت کیفری جوانان، به مجازات‌گرایی و سزادهی صرف که عاری از هرگونه پیامدگرایی و خالی از اهداف تفریدی کیفر باشد، با حفظ بزهکار در فرآیند رسمی کنترل، زمینه پایداری او را دو چندان خواهد کرد. تفرید کیفر مستلزم شناسایی دقیق شخصیت بزهکار است؛ اقدامی که فقط متعاقب مطالعه علمی شخصیت جوان کجرو در فرآیندی که از آن تحت عنوان «تشکیل پرونده شخصیت» نام می‌برند، فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی:

بزهکار بالقوه پایدار، بزهکار پیش‌رس، پایداری در بزهکاری، جرم شناسی رشد مدار - پرونده شخصیت.

مقدمه

خطر بحران بزهکاری پیش رس نوجوانان و جوانان، عدالت کیفری را بر آن می‌دارد تا با شناسایی زودرس بزهکاران جوان از «پایدار شدن بزهکاری» (Stabilization In Crime) در ایشان، پیش‌گیری نماید. ابزار شناخت «بزهکار بالقوه پایدار» (Potential Stabilizer Criminal)، مطالعه همه‌جانبه حیات فردی و اجتماعی جوان در «پرونده شخصیت» می‌باشد؛ پرونده‌ای که حلقه بنیادین فردی‌سازی واکنش‌های اجتماعی در عدالت کیفری جوانان را تشکیل می‌دهد و خلأ آن، روند پیش‌گیری از بحران بزهکاری را با موانعی روبرو می‌سازد. مطالعه پیش‌رو که با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیش‌گیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان» می‌پردازد در تلاش برای پاسخ‌دهی به دو پرسش ذیل است؛

(۱) به‌کارگیری پرونده شخصیت برای شناخت بزهکار بالقوه پایدار، تا چه اندازه در عدالت کیفری ضروری است؟ و (۲) تاثیر پرونده شخصیت در فرآیند اصلاح بزهکار بالقوه پایدار چیست؟

در این مطالعه فرض بر این است که پرونده شخصیت با در بر گرفتن اطلاعات جامعی از شرایط فردی و اجتماعی بزهکار به شناخت کاملی از بستر بزهکار شدن او دست خواهد یافت. مفروض دیگر آن است که چنین شناخت جامعی، عدالت کیفری را در گزینش واکنش مناسب یاری خواهد رساند.

۱. از بحران بزهکاری جوانان تا ضرورت پیش‌گیری از پایداری در بزهکاری

۱-۱. پایداری جوانان بر بزهکاری

نوجوانان در معرض خطر، محصول نابسامانی‌های حاکم بر جامعه‌اند که رفتارشان در مغایرت با هنجارهای اجتماعی، وصف مجرمانه به خود گرفته و «معارض با قانون» شناخته می‌شوند (موذن زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳). از این رو اجتماع که خود در پیدایش بزهکاری نوجوانان و جوانان، سهمی عمده از تقصیر را بر دوش می‌کشد، اگر بهنگام افزایش صعودی بزهکاری جوانان، از طریق عدالت کیفری موفق به مدیریت خطر نشود، باید در انتظار تولد بحرانی‌ساری و فرآیندی به شدت آسیب‌رسان باشد؛ فرآیندی که رفتار معارض قانون یک جوان را به حیات مجرمانه تا بزرگسالی مبدل خواهد ساخت.

۱-۱-۱. بحران بزهکاری جوانان

أقول نظام‌های کیفری و تسلیم آنها در برابر حجمه بزهکاری، مخصوصاً از زمانی آغاز می‌شود که ساختار اخلاقی جامعه شکسته و مفهوم خاص دورکیمی از پدیده مجرمانه، یعنی «آنومی یا

بی‌هنجاری» رونق گرفته است. بحران بزه در چنین شرایطی ناشی از دو علت می‌باشد؛ «عدم انطباق حقوق کیفری با واقعیات اجتماعی»؛ یعنی عدم تطابق ساز و کارهای تقنینی با نیازهای مبتلا به مردم و «از هم پاشیدگی ارزش‌های اخلاقی»؛ یعنی تضعیف ارزش‌هایی که روزی بزهکاران در باطن به آنها اعتقاد داشته‌اند و امروز ناقض آنها محسوب می‌شوند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۰، صص ۲۹-۲۸).

سرزنش‌گرایی مطلق عدالت کیفری در برابر جوانان بزهکار، نتیجه‌ای نخواهد داشت جز بزهکاری مجدد که در پاسخ انتقام جویانه جوان به جامعه اتفاق می‌افتد. اما واکنش‌هایی با جنبه «حمایتی- تربیتی» منتهی به حس شرمساری توأم با مسئولیت پذیری در جوانان خواهند شد (زرمانن، ۱۳۷۸، ص ۵۸). مدل حمایتی مذکور متضمن ویژگی‌هایی است از جمله؛ توجه به «ریشه‌های جرم»، «نیازهای جوان» و «مجرم محوری» با توجه به «ساختار شخصیت بزهکار» در تعیین نوع واکنش مناسب. در چنین الگویی «اگر مداخله رسمی، ضروری تشخیص داده شود باید به میزان حداقل باشد و موجب جدایی نوجوان از محیط نگردد، در غیراین صورت باید «سازوکارهای غیررسمی» مانند پاسخگویی خانوادگی و آموزشی در اولویت قرار داده شوند.» (مهر، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). در پاسخگویی پیش‌گیرنده، «شناخت ساختار شخصیت» و «محیط بالنده» بزهکار ضرورتی است که با «تشکیل پرونده شخصیت» تامین می‌شود و عدالت کیفری را در شناسایی به موقع «جوانان بزهکار» امروز و «بزهکاران حرفه‌ای» فردا یاری می‌رساند. «بزهکاران حرفه‌ای»، بزهکارانی اند که استمرار رفتار بزهکارانه نزد آنان نتیجه یک فرآیند پختگی است که به تدریج در ۲۵ تا ۳۵ سالگی، به «دوران پختگی جنایی» (Criminal Maturity) می‌رسند، پس از این دوران صعود، به تدریج بزهکار حرفه‌ای به دوران اُفول خود در سن ۳۵ تا ۴۰ سالگی نزدیک می‌شود. (Maltz, 1980, p547).

بحبوحه سنی ارتکاب بیشترین کجروی‌ها «هفده سالگی» است و رابطه‌ای قطعی بین کجروی در نوجوانی و ادامه آن در بزرگسالی وجود دارد، بنابراین بزهکاران مزمن نوجوان همان بزهکاران حرفه‌ای آینده‌اند (غلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۴-۲۰۵). زودترین زمان برای کجروی در حدود ۱۰ سالگی است. اما عمدتاً سن شروع بزهکاری ۱۳ تا ۱۹ سالگی می‌باشد که در ۲۵ تا ۳۵ سالگی به نقطه عطف خود رسیده و پس از آن بزهکاری مستمراً اُفول می‌کند. تحقیقی در کالیفرنیا در سال ۲۰۰۳ نشان داد که فقط ۶ نفر از ۵۳ فردی که دارای بازداشت‌های پیش‌رس (Early Arrest) بوده‌اند به عنوان افراد ضد اجتماعی شناسایی نشده‌اند و تنها ۱۱ نفر از ۵۱ بزهکار مزمن، آغازگران پیش‌رس (Starters Early) بزه نبوده‌اند. (Ge, Donnellan & Wenk, 2003, P 68).

مطالعه شخصیت بزهکاران پیش‌رس، حاکی از وجود «عوامل خطر» زیستی، روانی، خانوادگی و اجتماعی است که شناخت این عوامل، ضرورت مداخله‌های کارشناسانه چند بعدی را روشن می‌سازد. برنامه‌هایی که، ضمن حفظ جوان در جامعه و خانواده به اصلاح و درمان تاکید می‌ورزند، تا با خدمات چندگانه‌ی «رشد مدارانه» موجب ارتقای توانایی‌های طبیعی جوان برای جهش مثبت به سمت استقلال در تصمیم‌گیری و گزینش عاقلانه زندگی اجتماعی شوند (Sullivan, veysey, Hamilton, Grillo, 2007, Pp 557- 559).

۱-۱-۲) فرآیند پایدار شدن بزهکاری پیش‌رس

حرفه مجرمانه یا بزهکاری حرفه‌ای؛ تکرار مُصّرانه جرم و بازگشت به رفتار جنایی است که نتیجه‌ی تصور برنامه‌های بازپروری بوده و موجب استمرار فعالیت مجرمانه پس از واکنش ناقص عدالت کیفری شده است. استفاده از عناوین هم‌طرازی چون مجرم تکرارکننده^۱ (Recidivist Offender)، مجرم مُصّر^۲ (Persistent Offender)، مجرم مزمن^۳ (Chronic Offender) و مجرم به عادت^۴ (Habitual Offender) همگی با تفاوت‌هایی جزئی حاکی از ورود بزهکاران در فرآیندی از پایدارگری در بزهکاری می‌باشد.

حیات یا حرفه مجرمانه واجد سه ویژگی عمده است؛ «آغاز پیش‌رس رفتار بزهکارانه»؛ در حدود ۱۶ تا ۱۷ سالگی، «کثرت و فراوانی جرم»؛ در طول دوره‌ای مشخص، اعم از آنکه منتهی به دستگیری، بازداشت یا محکومیت شوند یا خیر و نهایتاً «مدت» این دوران است که؛ فاصله بین نخستین و آخرین جرم را در بر می‌گیرد. کسانی که در زندگی خود زودتر از سن متعارف مرتکب جرم می‌شوند، مدت بیشتری در فرآیند بزهکاری باقی می‌مانند و دیرتر نیز کناره‌گیری می‌کنند. بنابراین پیش‌رس‌ترین بزهکاران، پایدارترین آنها خواهند بود. مدت حرفه

۱. بزهکاران تکرار کننده، واجد ظرفیت جنایی و میزان سازگاری اجتماعی بالا هستند، که با سنجش میزان خطر و ظاهری موجه مرتکب جرم‌های بسیار خشن و خطرناک می‌شوند و عمدتاً سابقه سه محکومیت کیفری به حبس را در پیشینه خود دارند.

۲. بزهکاران مُصّر یا سرسخت، بزهکارانی با ظرفیت جنایی بسیار بالا و توانایی پایین در سازگاری با جامعه اند که در برهه‌ای بیش از ده سال به حیات مجرمانه مداوم دست یافته‌اند، لزوم باداشت پنج بار یا بیشتر و یا لزوم محکومیت شش بار یا بیشتر بین سالهای ده تا هجده سالگی نشانه وصف بزهکار مُصّر، فرض شده است.

۳. بزهکاران مزمن، جوانان بزهکار غیر خطرناک هستند که رفتارهای ضد اجتماعی‌شان با کمترین میزان تشدید تدریجی خطر همراه است.

۴. بزهکار به عادت فردی است که صفات مجرمانه آشکار یا پنهانی در ساختار روانی او وجود دارد که مستمراً او را وادار به جرم می‌کند.

مجرمانه برای بزرگسالان به طور متوسط ۵ سال است ولی برای مجرمینی که در سن ۳۰ سالگی در اوج فعالیت مجرمانه بوده‌اند، ۱۰ سال می‌باشد (Spellman 1994, P129).

بزهکاران مزمن جوان، با حفظ حیات مجرمانه و ریسک پذیری بالا، مستمراً مرتکب جرایمی با نتایج بسیار موقتی می‌شوند، زیرا خود-کنترلی، رعایت اصول اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آینده‌نگری در ایشان به رشد کافی نرسیده است. به موجب تحقیقات؛ آن دسته از نوجوانانی که اولین برخورد با پلیس را تا قبل از ۱۵ سالگی داشته‌اند در معرض خطر بالاتری برای تبدیل شدن به بزهکاران مزمن قرار گرفته‌اند (Farrington, 1992, P526). تحقیقی راجع به «شناخت شخصیت بزهکاران پیش رس در کالیفرنیا آمریکا» نشان داد که از لحاظ ساختار شخصیتی، بزهکارانی که زودتر از سایرین شروع به رفتارهای معارض با قانون نموده‌اند از لحاظ اجتماعی غیرمسئول‌تر و مستعدتر برای نقض قوانین اجتماعی‌اند و از لحاظ روانی نسبت به مجرمینی که دیرتر دست به ارتکاب اولین بزه زده‌اند، پارانوییدتر، هیجانی‌تر و مضطرب‌تراند، نتایج آماری این تحقیق فرضیه‌هایی را که مدعی وجود ساختار شخصیتی ناقص و معیوب در بزهکاران پیش رس بود، به اثبات رساند (Ge, Donnellan, Wenk, 2003, Pp73-75).

در این میان، زندان به عنوان ناکارآمدترین واکنش در برابر جوانان، بستر رشد حیات مجرمانه را فراهم می‌سازد. هرچند «ناتوان سازی یا قابلیت زدایی» (Incapacitation) از طریق زندان در مورد بزهکاران پایدار همواره مورد توجه بوده است، اما حبس با اوصاف مجرم پرورانه و جرم‌زای خود و با تولید خرده فرهنگ‌های ضد اجتماعی که فرهنگ پذیری زندان را گسترش می‌دهند، عامل موثر فرآیند حیات مجرمانه جوانان محبوس شناخته شده است.

مساله مهم دیگر، کیفیت حرکت جوانان معارض قانون در فرآیند تکوین حیات مجرمانه است؛ طرفداران نظریه «رشد» در جرم‌شناسی، بر پیشرفت ارتکاب عمل مجرمانه در طول زمان تاکید می‌ورزند. در حیات مجرمانه بزهکاری از نقطه زمانی خاصی در زندگی شروع می‌شود و در نتیجه عوامل گوناگون برای مدت زمان معینی تداوم می‌یابد و سپس با بالا رفتن سن بزهکار بطور پیوسته کاهش خواهد یافت. از نگاه هیرشی و گات فردسون سوء کارکرد خانواده بستر مناسبی است برای پیدایش بزهکاری مزمن و نوجوانی که به دلیل ضعف در خود کنترلی و عدم جامعه‌پذیری، توانایی خویشتن‌داری در برابر وسوسه‌ها را ندارد، رفتار معارض با قانون را در پیش گرفته و با تداوم این جریان در معرض تبدیل شدن به بزهکار حرفه‌ای قرار می‌گیرد. بزهکاران حرفه‌ای یا آبر بزهکاران^۱ سهمی کوچک از مجرمین، تقریباً حدود ۱۰٪ از

۱. Super criminal؛ بزهکار مکرر با بیشترین حجم جرم ارتكابی و دارای سوابق محکومیت‌های فراوان. (گسن، ۱۳۷۴، ص ۲۱۶).

کل جمعیت بزهکاران یک جامعه هستند که جدی‌ترین و خشن‌ترین بزه‌ها را مرتکب می‌شوند، به عبارتی کمتر از ۱۰٪ مجرمین، مرتکب بیش از ۵۰٪ کل بزه‌های جامعه شده و از ۶۰٪ تا ۱۰۰٪ جدی‌ترین این بزه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند (Delisi, 2005, Pp32-53).

۲-۱) ضرورت پیش‌گیری بر مبنای شناخت ساختار شخصیت جوانان بزهکار

۱-۲-۱) رویکرد به پیش‌گیری فرد محور

هدف برنامه‌های پیش‌گیرنده چه در سطح فردی (اصلاح و درمان) و چه در سطح جمعی (بازدارندگی) تحدید یا کاهش احتمال بزهکاری است. آنچه که برای پیش‌گیری از پیدایش حیات مجرمانه بزهکاران جوان مورد نظر می‌باشد؛ «پیش‌گیری فردی» با هدف پیش‌گیری از تکرار جرم است که داخل در مفهوم جرم‌شناسی بالینی قرار می‌گیرد. برنامه‌هایی که بعد از وقوع جرم با هدف بازپروری و بازسازی بزهکار سازمان می‌یابند و براساس مدل معمول در پزشکی به مطالعه شخص مجرم از زوایای جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی با کمک معاینه، تشخیص، تجویز و درمان می‌پردازند.

پیش‌گیری از بزهکاری پایدار مبتنی بر شناخت ساختار شخصیتی بزهکار در قالب جرم‌شناسی بالینی متضمن گذر از ۳ مرحله می‌باشد: ۱- مطالعه بزهکار با معاینات چند بعدی ۲- اجرای برنامه‌های اصلاح و درمان ۳- پی‌گیری برنامه‌های اصلاح و درمان به کمک متخصصان و کنترل نتایج ناشی از آن (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۳، ص ۴۴). شناخت شخصیت بزهکار، تطبیق روش‌های خاص پیش‌گیری با شخصیت او و تقویت قدرت سازگاری فرد با محیط فرآیندی است مستلزم مطالعات زیستی، روانی و اجتماعی (Biopsychosocial studies).

رویارویی با بزهکار جوان پیش‌رس، مستلزم طی دو مرحله است؛ «پیش‌گیری ثانویه» با درمان و اصلاح؛ در مورد جوانان در معرض اختلالات رفتاری و «پیش‌گیری ثالث»؛ با نظارت و مراقبت جهت تقلیل خطر وقوع مجدد اختلال و تقلیل امکان بروز دوباره کجروی. اما مهم‌ترین برنامه‌ها، «پیش‌گیری‌های براساس معیار سن» می‌باشند که تدابیر خود را بر شخصیت در حال شکل‌گیری بزهکاران کم سن و سال در معرض خطر متمرکز کرده و هدفشان پیش‌گیری از پیشرفت رفتارهای پرخطر است. پیش‌فرض این برنامه مبتنی است بر اینکه ساختار شخصیت آدمی قابل تغییر بوده و مداخله‌های خارجی توانایی تغییر شخصیت را خواهند داشت. بنابراین ارکان پیش‌گیری از پایداری بزه، توجه به «تغییرپذیری شخصیت» و عنایت به «ظرفیت نهادهای اجتماعی» در تاثیرگذاری بر شخصیت جوان می‌باشند.

۲-۲-۱) لزوم شناسایی شخصیت در پیشگیری رشد مدار

مطالعه پویایی شخصیت بزهکار در فرآیند حرکت از نوجوان بزهکار به بزهکار پایدار، موضوع شاخه‌ای خاص از مطالعات جرم‌شناختی یعنی «جرم‌شناسی رشد مدار» (Developmental Criminology) است؛ علمی که سعی می‌کند تا بر پویایی جنایی و مراحل گذار در مسیر مجرمانه متمرکز شود و به بررسی موقعیت فرد در پیش از بزهکاری، شخصیت او در زمان بزهکاری و چگونگی ترکیب این دو موقعیت در فعلیت یافتن شخصیت جنایی بپردازد. جرم‌شناسان رشد مداری هم چون گات فردسون و هیرشی بیان می‌کنند که صرف نظر از هر تبیین جامعه‌شناسانه، سن در حقیقت فرد را به حدی از رشد می‌رساند که از جرم دوری گزیند. بنابراین کاهش جرم همراه با بالا رفتن سن به خاطر کاهش فراوانی بزه‌ها در میان تمامی بزهکاران فعال است نه کاهش در شمار بزهکاران فعال. اما تحلیل گران بزهکاری حرفه‌ای به جای توجه به نرخ‌های کلی جرم در یک زمان خاص به الگوهای ارتكابی بزه در یک دوره زمانی طولانی توجه کرده‌اند و با پژوهش‌های طولی، روند حیات افراد مشابهی را در یک دوره زمانی دنبال می‌کنند، این طرح‌های طولی، مطالعه عینیت‌گرایانه داشته و می‌توانند عوامل آغازین و تاثیر رفتار پیشین را بر رفتار فعلی و آینده ارزیابی نمایند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰، صص ۳۹۱-۳۸۸).

از دریچه جرم‌شناسی رشد مدار، رفتار ضد اجتماعی، مستعد رشد و نمو است و صرفاً تظاهری از شرایط ابتدایی در فرد نیست بلکه این تجربیات فردی و اجتماعی است که به قالب بندی شخصیت فرد در طی مراحل طولانی منجر می‌شود (Nagin, paternoster, 2000, Pp 117-144). «پیش‌گیری رشد مدار» یا (Developmental Prevention) می‌تواند به نحو زودرس از استقرار اوصاف بزهکارانه در شخصیت پیش‌گیری نموده و با هدف تقویت قوای فکری طفل و اجرای اقدامات ترمیمی و اصلاحی درازمدت، به محض شناسایی نقاط ضعف شخصیتی اطفال واجد حالت خطرناک، برنامه‌های درمانی، ترمیمی و اصلاحی را به اجرا رساند. برنامه‌های D.P که به پیش‌گیری زودرس یا (Early Prevention) نیز معروف اند، بیشتر در صدد می‌باشند تا قبل از مرحله جوانی و نوجوانی یعنی در مرحله طفولیت، طفل بزهکار را شناسایی و تحت تدابیر پیش‌گیرنده قرار دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، صص ۳۱-۳۰).

پیش‌گیری‌های زودرس، بزه را در متن زندگی بزهکار متوقف می‌کنند. توجه به مراحل گذار از کودکی به بزرگسالی و عواملی که موجب شروع رفتار مجرمانه در دوران کودکی و نوجوانی شده و عوامل دیگری که موجب ثبات و پایداری آن در مراحل جوانی و بزرگسالی می‌شوند، مبین آن هستند که برای مقابله با پایداری در بزهکاری باید توانایی تبیین عواملی را داشت که آغازگر بزهکاری‌اند و بتوان آنها را از عواملی که شخص را برای مدت طولانی

گرفتار جرم می‌کنند یا آنکه در مدت زمانی کوتاه و به سرعت آن جریان را متوقف می‌سازند، تفکیک نمود.

ضرورت توسل به پیش‌گیری‌های زودرس در مقابله با حیات مجرمانه، شناخت کامل شخصیت جوان بزهکار را در قالب بررسی‌های چند قطبی آموزه‌های جرم‌شناسی کاربردی یا کارکردی به ویژه جرم‌شناسی بالینی می‌طلبد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۴). ظرفیت‌های جرم‌شناسی بالینی امکان بررسی روان‌شناختی بزهکاران بالقوه پایدار را فراهم می‌سازد؛ بزهکارانی که بیش از سایر کجروان، مبتلا به اختلال در منش، ناسازگاری شخصیتی و نابسامانی‌های روحی هستند. تهیه شرح حال‌های (Profiles) غنی برای این بزهکاران، عدالت کیفری را در شناخت علل جرم و ارائه موثرترین ابزارهای مقابله با تکرار جرم توانمند می‌نماید.

تئوری رشد مافیت، بزهکاران را از این لحاظ به دو دسته تقسیم می‌کند؛ بزهکارانی که رفتار بزهکارانه‌شان محدود به دوره نوجوانی است و بزهکاران مُصری که دارای روند حیات مجرمانه می‌باشند؛ دسته اول سهم عمده‌ای از بزهکاران، تقریباً ۹۰٪ ایشان را تشکیل می‌دهند، که مطابق نظر مافیت امکان ممانعت ایشان از جرم و تلاش برای تبدیل نمودنشان به شهروندان قانون‌مند وجود دارد، بزهکاری آنان در دوره کوتاه نوجوانی، طغیانی است در برابر نارسایی‌ها و مشکلات دوران بلوغ که غالباً وجه خشونت‌آمیز نیز ندارد، اما بزهکاران مُصر دارای حیات مجرمانه که مستلزم توجه بیشتری‌اند بیش از دسته اول خطرناک بوده و تهدید کننده زندگی اجتماعی محسوب می‌شوند (Delisi, 2005, Pp56-57).

در نظریه مسیر زندگی (Life-course) نیز که نظریه‌ای ترکیبی از نظریه‌های کنترل اجتماعی، رهیافت‌های اکولوژی و دیدگاه‌های نوین می‌باشد تجارب اولیه بزهکاری در فرد، پیش بین بزهکاری او در سنین بزرگسالی است؛ زیرا که شخصیت در طول زمان شکل می‌گیرد و تجربه بزهکاری نیز تجربه‌ای پویاست و در این مسیر، فقدان قیود اجتماعی مثل کار، آموزش و خانواده جریان جرم را تسریع می‌بخشد، با شکستن قیود اجتماعی، زمینه برای یک نیروی ثبات‌زدا فراهم شده و حرکت بر حیات مجرمانه ساده‌تر می‌گردد (ویلیامز، لین ری و شین، ۱۳۸۶، صص ۲۸۲-۲۸۱). برخی براین باورند که درشاخه‌های مختلف جرم‌شناسی رشد مدار، تئوری‌های رشد مدارنه اخلاقی (Moral Development) بیشتر دربرگیرنده مسائل اخلاقی و تئوری‌های مربوط به صفات پنهان (Latent Attributes) از جمله نظریه‌های سیگل متضمن ریشه‌یابی روانی جرم بوده و در نهایت تئوری‌های مسیر زندگی بر یافتن چرایی و زمان توقف بزهکاری متمایل می‌باشند؛ با این حال در همه آنها، دو مفهوم مهم مورد لحاظ قرار می‌گیرد؛ اول «مسیر حرکت»؛ یعنی طریقی که در آن سبک زندگی فرد در اثر تعاملات چندجانبه شکل می‌گیرد. دوم «گذار از این

مسیر»؛ که در آن بزهکاری به پویایی می‌رسد و در نقطه‌ای متوقف می‌شود (O'Connor, 2006, Pp 7-8).

۲. پرونده شخصیت حلقه‌ای ضروری در فرآیند پیش‌گیری از پایداری در بزهکاری ۱-۲. تبیین مفهومی پرونده شخصیت و مقتضیات آن

از لحاظ تاریخی «طرز شناسایی شخصیت» (Observation) ماحصل تلاش اندیشمندان مکتب تحقیقی است؛ اثباتی گرایان با تاکید بر شخصیت فرد بزهکار، خواهان بررسی وضعیت خانوادگی، اجتماعی و تحقیق و پژوهش در مورد انگیزه ارتکاب بزه در شخص بودند تا با بررسی اجتماعی، پزشکی و روان پزشکی (Social - Medical - Psychological) توانمندی‌های نظام عدالت کیفری را در تفرید واکنش‌های اجتماعی افزایش دهند.

تحقیقات مربوط به استفاده از واکنش‌های اجتماعی در کاهش تکرار جرم بر اهمیت ارزیابی سوابق روحی، زیستی و اجتماعی، در تعیین نوع، روش و کیفیت درمان و اصلاح بزهکاران دلالت می‌نمایند. کارایی تدابیر اصلاح و درمان باید در ارتباط با فاکتورهای خطری که در تاریخچه زندگی بزهکار وجود دارند، ارزیابی شوند. چنین توانمندی تضمین کننده مواجهه موفقیت‌آمیز الگوهای درمانی با مشکلات چندگانه بزهکاران می‌باشد (Sullivan, 2007, P572).

۱-۲-۱. شخصیت و حالت خطرناک

شخصیت عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و ساختار پویایی است که به تدریج و در طول زمان شکل می‌گیرد و تحت نفوذ عوامل گوناگون متحول می‌شود (بابائی، ۱۳۸۳، ص ۳۹). شخصیت «بزهکار مزمن» ناشی از یک الگو یا سندرم شخصیتی است که معمولاً از آن به عناوین شخصیت «ضد اجتماعی»، «جامعه ستیز» یا «اجتماع ستیز» نام برده می‌شود.

مطالعه ساختار شخصیت بزهکاران حرفه‌ای نشان می‌دهد که ایشان به دلیل ساختار روحی خود دارای آستانه مقاومت پایین بوده که به راحتی در هم شکسته شده و فرد را به فساد و گمراهی می‌کشاند. ضد اجتماعی شدن در ایشان، موجب می‌شود تا آنان فاقد روابط پایدار با سایرین بوده و دارای رفتارهای تکانشی، فرار از مدرسه و خانه، دروغ‌گویی، استعمال مواد مخدر و ... باشند. «روان گسیختگی» یا شخصیت «روان گسیخته» مهمترین اختلال شخصیتی در بزهکاران مزمن است و اختلالات دیگری مثل بی‌قراری، وسواس، انزواطلبی، ابتلا به توهم، منفی بافی، تعدد شخصیت، هیستری، پرخاشگری و «اختلال شخصیت ضد اجتماعی» (Antisocial Personality Disorder) که آن را «جامعه رنجوری» یا «جامعه زدگی» نیز می‌دانند

سبب می‌گردد تا افراد مبتلا از همان سنین آغازین به ستیزهای مکرر با جامعه واداشته شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۴۱۶).

از این رو برنامه‌های پیش‌گیری از پایداری در بزهکاری مستلزم تعریفی روشن از اختلالات شخصیتی مبتنی بر آموزه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌باشند، هرچند تعاریفی متعدد از نارسایی‌های شخصیتی وجود دارد اما در پس تمام آنها وصف «بی‌قاعدگی مداوم و عمیق» (Pervasive and Persistent Abnormality) در کارکردهای شخصیتی فرد وجود دارد که منجر به آسیب‌های فردی و اجتماعی فزاینده و پایا خواهد شد (Harrington, 2003, P7).

تشکیل پرونده شخصیت و شناخت شخصیت جنایی، متضمن شناخت حالت خطرناک، ویژگی‌ها و کیفیت آن می‌باشد. حالت خطرناک یک وصف ذهنی و روحی است که خبر از به جریان افتادن قریب‌الوقوع یک فرآیند پایدار در حیات مجرمانه فرد می‌دهد؛ حالتی که حاصل جمع عوامل خطر چندگانه اجتماعی و فردی در شخص است و او را به ارتکاب جرم و خواهد داشت، حالت خطرناک تقابل «ظرفیت جنایی» با «استعداد انطباق با جامعه» می‌باشد؛ بزهکاران پایدار، از ظرفیت جنایی بالا اما استعداد جامعه‌پذیری ضعیف برخوردارند.

حالت خطرناک در دو نوع قابل توجه است؛ «حالت خطرناک قریب‌الوقوع» و «حالت

خطرناک پایدار».

حالت خطرناک قریب‌الوقوع، مرحله بحرانی است که اکثریت بزهکاران پیش از توسل به خشونت به آن دچار می‌شود، اما در حالت خطرناک مزمن، بحران رفتاری فرد آنچه‌ان پایدار است که ناسازگاری اجتماعی را به وصفی از اوصاف او مبدل می‌سازد؛ حالت خطرناک مزمن بزهکاران، با حرفه‌ای شدن آنها مشخص شده و به تدریج ناسازگاری اجتماعی پایدار، عدم تطابق با جامعه و تمایل برای باقی ماندن در فرآیند بزهکاری را در آنان تثبیت می‌نماید (دانش، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵). حالت خطرناک در این مفهوم شاخصه‌ای است که پیش از بروز اختلال رفتاری وجود داشته و موجب تشدید اختلال رفتاری در اشخاصی می‌شود که در معرض عوامل خطر قرار گرفته‌اند (Harrington, 2003, Pp9- 10).

شناخت «حالت خطرناک و عوامل خطر» از طریق مطالعات بالینی و جرم‌شناختی، منتج به شناخت «گروه‌های خطر» (Risk Groups) خواهد شد. گروه‌هایی که مستعد داشتن جدی‌ترین رفتارهای خطرناک از جمله خشونت و تهاجم می‌باشند. بیشتر جوانان مبتلا به اختلال رفتاری از خود رفتارهای پرخطری را نشان می‌دهند که ضرورت مداخله برای درمان را می‌طلبند. ایشان، اغلب دچار بیماری‌های مختلف روحی به‌خصوص اسکیزوفرنی، روان‌پریشی و اختلالاتی‌اند که در صورت تشخیص و اقدام زودرس درمان خواهند یافت؛ از این رو شناخت

به موقع متغیرهای خطر و گروه‌های مبتلا به آن نقطه عطفی در پی‌ریزی برنامه‌های پیش‌گیری به حساب می‌آید (p34 Harrington, 2003). به عنوان نمونه بهترین پیش بین رفتار جنایی پایدار، «تمایلات بزهکارانه زودهنگام» است که در سایه شرایط نامطلوب زندگی فردی، اجتماعی و عدم جامعه‌پذیری کامل، فرد را در «وضعیت خطرناک» قرار می‌دهند.

۲-۱-۲. فرآیند تشکیل پرونده شخصیت

به محض ورود بزهکار جوان به نظام عدالت کیفری، باید فرآیند تکمیل پرسشنامه‌ها و شرح حال‌های شخصیت آغاز گردد؛ این فرآیند متضمن پرس و جو‌هایی در مورد ویژگی‌های فردی، خانوادگی، نحوه ارتکاب جرم، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، انجام آزمون‌های هوش و ارزیابی‌های شخصیت است. متخصصان پس از تکمیل این فرآیند، جوانانی را که دارای مشکلات رفتاری و دچار عوامل پرخطر هستند، تفکیک نموده و آنان را به حسب نوع اختلال، نیازمند روان‌درمانی، مشاوره فردی، مصاحبه‌های خانوادگی، گروه‌درمانی و ... تشخیص می‌دهند و موضوع را به دست اندرکاران قضایی ارجاع خواهند داد. توصیه «تشکیل پرونده شخصیت» در اسناد بین‌المللی، مثل مقررات پکن^۱، به منظور تامین هدف مزبور مدنظر قرار گرفته و قاضی ملزم شده است تا به موجب گزارش کارشناسان در پرونده شخصیت با آگاهی نسبتاً جامعی در مورد شرایط حاکم بر ارتکاب بزه در کودک یا نوجوان واکنشی را برگزیند که منجر به تغییر در ذهنیت، رفتار و شرایط نامساعد و آماده شدن فرد برای زندگی اجتماعی گردد، به گونه‌ای که حقوق و ارزش‌های اجتماعی او نیز محترم شمرده شوند (لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، ۱۳۸۲)^۲.

امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً از سوی مقنن به عنوان یک ضرورت در قوانین آیین دادرسی کیفری ذکر شده است؛ در قوانین آیین دادرسی کیفری فرانسه (اصلاحی ۱۹۹۳)، در جرم‌های جنایی تشکیل پرونده مذکور اجباری و در جرم‌های از درجه جنحه اختیاری شناخته شد (اشرافی، ۱۳۸۷، ص ۲). در ایالت کالیفرنیا آمریکا پرونده روان‌شناختی (P.I) (Psychological Inventory) یکی از مهمترین ابزارهای ارزیابی تعادل شخصیت، اعتماد به نفس، تمایلات درونی به انحراف، جهت‌گیری‌های هنجاری و ضد

۱. رک به مجموعه حداقل‌های مقررات ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری نوجوانان یا برای دادرسی ویژه نوجوانان مصوب ۱۹۵۸ معروف به مقررات پکن.

(UN Standard Minimums For The Administration Of Juvenile Justice).

۲. لایحه قضایی «قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان» مشتمل بر ۵۵ ماده و ۲۲ تبصره طی نامه شماره ۱/۸۲/۵۱۶۰۱ مورخ ۸۲/۶۳۰ رئیس قوه قضاییه برای طی مراحل تصویب و تقنین به دولت جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شده است.

هنجاری و کارکردهای ذهنی و عقلانی می‌باشد، هم‌چنین است پرونده شخصیت (P.I) (Personality Inventory) در مینوسوتای آمریکا که معطوف به شناسایی نابسامانی‌های هیجانی، اضطراب‌های شخصیتی و بیماری‌های روانی در بزهکاران با معیارهای کلینیکی و پزشکی است (Ge, Donnellan, Wenk, 2003. P70). پرونده شخصیت و خلق و خو (T.C.I) (Temperament and Character Inventory) در طرح آمارگیری اعتیاد به مواد مخدر و الکل در مدارس اروپا، ابزاری ضروری برای ارزیابی شرایط متفاوت فردی در میان بزهکاران شناخته شد که در آنها بی‌توجهی به خود، عدم تشریک مساعی اجتماعی و خود برتری‌ی مورد بررسی قرار گرفته است (Hosak, Preiss, Halir, Cermakova & Csemy, 2004, P193).

در نظام حقوقی ایران، در قوانین مربوط به تشخیص مجازات مناسب و اعمال کیفیات مخفیه (م ۲۲ ق.ا.م)، بررسی وضعیت اجتماعی و سوابق محکوم علیه در تعلیق مجازات (م ۲۵ و ۲۹ ق.ا.م) و آزادی مشروط (بند ۲ م ۳۸ ق.ا.م)، تشخیص استحقاق تخفیف مجازات در مورد شرکای جرم متناسب با تاثیر عمل ارتكابی (تبصره م ۴۲ ق.ا.م)، تشخیص حالت خطرناک مجنون برای نگهداری وی در محل مناسب تا رفع حالت خطرناک (م ۵۲ ق.ا.م) و تشخیص حالت خطرناک مجرمین در اعمال اقدامات تامینی و تربیتی (م ۱ و ۴ ق.ا.م) اقدامات تامینی و تربیتی مصوب (۱۳۳۹) تلویحاً به تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران اشاره می‌شود.

قانونگذار ایرانی صرفاً در دادرسی اطفال، موضوع ارزیابی سوابق فردی و اجتماعی طفل بزهکار را به عنوان امری اختیاری مورد اشاره قرار می‌دهد.^۱ ماده ۱۹ لایحه پیشنهادی قوه قضائیه جهت رفع نقیصه در ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه اطفال و نوجوانان تحقیقاتی را در مورد وضع جسمانی و روانی طفل یا نوجوان یا والدین او و هم‌چنین وضع خانوادگی و محیط معاشرت او لازم بدانند، می‌تواند تحقیقات مذکور را خود یا با جلب نظر متخصصان یا مددکاران اجتماعی یا اشخاص صلاحیتدار انجام دهد؛ در این صورت دادگاه با توجه به تحقیقات انجام شده یا نظریات رسیده تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند؛» (تبصره: در بزه‌هایی که مجازات قانونی آن اعدام یا قصاص یا حد یا حبس ابد یا بیش از ۳ سال حبس است انجام تحقیقات مذکور در این ماده الزامی است) (موذن زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳).

آنچه که در حال حاضر در مورد پرونده شخصیت در نظام عدالت کیفری ایران کاربرد دارد، تشکیل پرونده مذکور در مرحله «اجرای مجازات حبس» برای شناسایی زندانیان و طبقه‌بندی ایشان می‌باشد. ماده ۷۱ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۷۲ بیان

۱. ماده ۲۲۲ ق.آ.د.ک: «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا وضعیت خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید».

می‌دارد: «در هر زندان قسمتی به نام «تشخیص» به منظور شناخت شخصیت زندانیان و طبقه بندی آنها، با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده زندان به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است». هم چنین در ماده ۵۹ آیین نامه سازمان امور زندان‌ها مصوب ۱۳۸۰ مقرر شده که تکرار شده و در ماده ۶۰ آمده است: «در قسمت «پذیرش و تشخیص»، فرد تحت آزمایش‌های پزشکی، روان پزشکی، روان شناختی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی و معلومات و اطلاعات مذهبی، علمی و فنی آنان از جهت شناخت شخصیت بررسی می‌گردد.» این در حالی است که وضعیت فعلی در مجازات‌های غیرحبس، مجالی برای استفاده از سازوکارهای جرم شناسی بالینی را باقی نمی‌گذارد (بابایی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

۲-۲. ساختار و کارکردهای پرونده شخصیت

۲-۲-۱. انواع پرونده‌های شخصیت

پرونده‌های شخصیت در بررسی‌های جرم‌شناسانه برحسب نوع پرونده در دو شکل ذیل قابل مشاهده‌اند؛

«۱- پرونده شخصیت اجتماعی»؛ «۲- پرونده شخصیت فردی».

«پرونده اجتماعی» بزهکار متضمن اطلاعاتی در ارتباط با تعامل محیط و ساختار شخصیت اوست؛ محیط وضعیت غیرثابتی است که فرد را احاطه کرده و بر چهار قسم می‌باشد؛ محیط فیزیکی، محیط اقتصادی، محیط خانوادگی و محیط فرهنگی و اجتماعی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰، صص ۲۸-۲۷)؛ علاوه بر این که انسان اسیر شرایط محیطی نیست و چه بسا به دلیل ریشه‌های قوی جامعه‌پذیری، در مقابل محیطی تحریک کننده، ایستادگی نموده و تسلیم محیط بزهکارگونه نشود (Trasler, 1979, P317).

در مطالعه «محیط خانوادگی»، جدی‌ترین دلیل آغاز بزهکاری زودرس از هم‌گسیختگی خانوادگی جوانان است در حالیکه بزهکاران دیررس غالباً ماحصلی از تعاملات با همسالان ناسازگار اجتماعی خود می‌باشند. اما ساختار نادرست خانواده، زمینه یادگیری تمایلات ضد اجتماعی را فراهم ساخته و می‌تواند موجب فقدان خودکنترلی، عدم مسوولیت‌شناسی، شکست اجتماعی و بزهکاری خواهد شد (Ge, Donnellan & wenk 2003, P75).

دومین محیط مورد مطالعه، «محیط تحصیلی و آموزشی» است که بزهکار در آن احترام به حقوق دیگران، رعایت نظم و انضباط، لزوم اطاعت از مافوق و حسن سلوک با سایرین را می‌آموزد. ناهنجاری‌های مربوط به این محیط لزوماً منجر به ورود فرد به ورطه بزه نخواهد

شد اما بی‌تردید بروز رفتارهای پرخطری مثل فرار از مدرسه، ولگردی یا گرایش به همسالان منحرف، نشانه‌هایی از شکل‌گیری تمایلات مداوم بزهکارانه در آینده خواهند بود. در بررسی «محیط جغرافیایی و فیزیکی»؛ موقعیت بوم‌شناسانه و اکولوژی مربوط به محل، پرجمعیت بودن، روستایی یا شهری بودن، صنعتی یا کشاورزی بودن، حاشیه‌نشینی و مهاجرت مورد توجه هستند.

«بستر اقتصادی‌ای» که بزهکار در آن به سر برده است، بخش دیگری از پرونده اجتماعی بزهکار می‌باشد؛ هر چند فقر دلیل مستقیم بزهکاری نیست اما تعداد قابل توجهی از بزهکاران، متعلق به طبقات مستضعف، تهی‌دست و فقیر جامعه هستند. این عامل نسبی زمینه فساد، فحشا، اعتیاد، بی‌سوادی، انحرافات فرهنگی و اجتماعی را به نحو بالقوه فراهم خواهد کرد. تاثیر بیکاری‌های بلند مدت بر گروه‌های اجتماعی محروم به ویژه جوانانی که فاقد حمایت‌های اجتماعی خاص هستند، فوق‌العاده بیش از سایر گروه‌هاست و بیش از سایر عوامل در مزمن شدن بزهکاران زودرس موثر خواهد بود (غلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵).

از سوی دیگر در تهیه «پرونده فردی» بزهکار با کمک آزمایش‌های پزشکی اطلاعات مربوط به رشد جسمی، آثار عقب‌ماندگی ذهنی، ابتلا به بیماری‌های واگیردار و آمیزشی، وضع جسمی و روانی مادر در دوران بارداری، شرایط بزهکار در دوران بلوغ، نحوه تکامل رفتاری و کرداری او از دوران کودکی تا بزرگسالی، وضعیت توارثی، خصایص و اوصاف جنسیت مدار بزهکار و هم‌چنین شرایط سنی از لحاظ سن شروع رفتارهای پرخطر، سن اولین دستگیری، سن ارتکاب مکرر بزه و دوران فعالیت مجرمانه در پرونده فردی شخصیت بزهکار درج خواهند شد. قسمت دیگری از پرونده فردی را بخش مطالعات روان‌شناختی، بررسی میزان هوش و توانایی‌های ذهنی بزهکار تشکیل می‌دهد.

در بررسی میزان هوش، تحقیقات اخیر حاکی از آنند که هوش عاطفی بزهکاران متمایز از هوش عادی ایشان است و پرونده بهره عاطفی یا (EQI) (The Emotional Quotient Inventory) بزهکاران حاوی اطلاعاتی است که رابطه ضعیفی با بهره هوشی یا (IQ) (Intelligence Quotient) دارد اما در عوض ارتباط محکمی با ارزیابی‌های مربوط به بیماری‌های روحی، افسردگی و ناامیدی خواهد داشت (Hemmati, Mills. Kroner, 2004, P695). محققین بهره عاطفی بزهکاران را نوعی توانایی و ظرفیت چگونگی درک احساسات دیگران معنی کرده و براین اعتقادند که چنین بهره‌ای در میان بزهکاران یا اصلاً وجود ندارد یا بسیار ضعیف است، بخصوص در میان مرتکبین بزه‌های جنسی، کودک‌آزاران و تکرارکنندگان بزه‌های خشن، چنین ناتوانی‌ای اجازه افسانه بافی و باور دروغ‌هایی را فراهم می‌سازد که نتیجه آن ارتکاب آسان‌تر بزه‌های بعدی به نحو مکرر است (Hemmati, Mills. Kroner, 2004, p698).

۲-۲) کارکرد تشکیل و اعمال پرونده شخصیت در نظام عدالت کیفری

غالباً فایده کارکرد پرونده‌های شخصیت در تشخیص علل روان شناختی بزهکاری جوانان مورد توجه قرار می‌گیرد. تشخیصی که مقام قضایی را نیز در اتخاذ تصمیمی درمان محور یاری می‌رساند. در مطالعات طولانی مدت انجام شده در کانادا بر پرونده شخصیت ۲۴۸ بزهکار مرد جوان، رابطه بین اختلالات روانی و رفتارهای مجرمانه مورد بررسی قرار گرفت؛ رفتارهای مجرمانه‌ای که برای ۸ سال ادامه یافته بود مربوط به مجرمین بین ۱۸ تا ۳۳ ساله‌ای می‌شد که غالباً دچار اختلال‌های روانی و رفتاری بودند. بنابراین اختلال‌های روانی، می‌توانند به عنوان پیش بین رفتارهای مجرمانه در نظر گرفته شوند؛ به عنوان مثال بزهکاران جنسی جوان اکثراً دچار اختلال در هویت جنسی یا مبتلا به اختلال‌های رفتاری، اجتماعی یا از هم گسیختگی عاطفی می‌باشند (Beve, Duchesne, Rosenthal, 2003, P2).

اختلال منش و شخصیت یا پسیکوپاتیک (Psychopathic) از نشانه‌های مهم تداوم خطر در فرد است، مبتلایان به این نوع اختلال به علت عدم رشد اخلاقی و شخصیتی، دچار اختلال عاطفی و رفتاری خواهند شد؛ اتفاقی که در دوره طفولیت با اختلال در خوردن غذا و بی‌خوابی شروع می‌شود و به تدریج بصورت فرار از مدرسه، بی‌انضباطی، بی‌ثباتی و در دوران جوانی با اعتیاد، سرقت، هتک ناموس و پرخاشگری و در بزرگسالی با اعمال مجرمانه بدون اظهار ندامت ادامه خواهد یافت. در میان مجرمین دچار اختلال منش تعداد مجرمین اتفاقی اندک است، مجازات و زندان برخشم و کینه و غضب ایشان افزوده و لجبازی آنان را در قبال جامعه بیشتر می‌نماید، بدین لحاظ پس از دستگیری و محکومیت اکثراً تکرار جرم دارند و اصلاح و تربیت پسیکوپات‌ها بسیار دشوار و گاهی امکان‌ناپذیر است (دانش، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵).

تشخیص این نوع اختلال مستلزم آن است که فرد دست کم ۱۸ سال داشته و تا قبل از ۱۵ سالگی چند نشانه اختلال سلوک (Conduct Disorder) در وی مشاهده شده باشد؛ این اختلال در برگیرنده یک الگوی رفتاری تکراری و پایدار است که حقوق بنیادی دیگران و هنجارهای اصلی اجتماعی را زیر پا می‌گذارد (دادستان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸). اختلالات منشی قویاً با اختلالات روحی مثل افسردگی، اضطراب و استرس همراه هستند و مطالعات حاکی از آنند که در میان اطفال و نوجوانان دچار اختلال در منش، سطح بالایی از افسردگی نیز مشاهده شده است (Harrington, 2003, P31). این اختلال زمانی تثبیت می‌شود که حداقل سه مورد از شش خصیصه ذیل در رفتار فرد بروز کند: ۱) نقض پی در پی قانون ۲) دروغ‌گویی پیاپی ۳) بی‌اختیاری یا ناتوانی در برنامه‌ریزی ۴) نزاع فیزیکی مکرر یا ضرب و شتم ۵) ناتوانی مکرر در تحمل رفتارها یا عدم ایفای تعهدات مالی و ۶) نبود پشیمانی (ولد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳).

بنابراین تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران پیش رس - که غالباً در نتیجه ساختارهای ناقص شخصیتی به بزه روی می‌آورند - عدالت کیفری را در سیاست گذاری‌های مفید رویارویی با بحران بزهکاری جوانان، ساختارمند کردن روش‌های فردی‌سازی، بازپروری و خروج به موقع جوان از فرآیند رسمی عدالت کیفری کمک می‌رساند (Steiner, Cauffman, 1999, p261). این پرونده را باید جزئی جدانشدنی از «برنامه‌های پیش‌گیری زودرس» قرار داد، زیرا که پیش‌گیری زودرس مداخله به موقع در دوره‌های مختلف رشد نوجوانان بزهکار یا در معرض بزهکاری به منظور پیش‌گیری از تداوم بزهکاری آنان در آینده می‌باشد (متولی‌زاده نایینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

برخی برنامه‌های مربوط به مقابله با بزهکاران پیش رس جوان که بر مبنای پرونده شخصیت سازمان یافته و اجرا می‌شوند عبارتند از: «برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی» مخصوص بزهکاران مزمن خشونت‌طلبی که جز پرخاشگری، روش مناسب دیگری برای حل تعارضات بین فردی خود پیدا نمی‌کنند و «برنامه‌های درمانی روان پویشی» (Psychodynamic) که مبتنی بر درمان‌های فردی یا گروهی و براساس نواقص روانی و خلأهای عاطفی بزهکاران قابل دسته بندی می‌باشند مثل «روش‌های درمانی رفتارگرا» (Behaviorism) که ترکیبی‌اند از سرمشق‌دهی و الگوسازی رفتاری. اما در این میان بیشترین اهمیت از آن «مداخله‌های پیش‌رسی» (Earlier Intervention) است که درصدد رفع اختلال‌های شخصیتی و درمان شخصیت ضد اجتماعی بزهکارانند؛ این درمان مستلزم تغییر سبک‌های نابهنجار زندگی افراد است و معمولاً در چهارچوب درمان‌های پزشکی قرار نمی‌گیرد و مداخله‌های روان‌شناختی ای را می‌طلبد که به تعیین راهبردهای رفتاری موثر برای بزهکار و تغییر باورهای غلط او بینجامد (دادستان، ۱۳۸۲، صص ۳۵۴-۳۵۱).

در نهایت، باید به برنامه‌های مراقبت و نظارت بر رفتار آتی بزهکار اشاره نمود؛ برنامه‌های مراقبت بعد از خروج متضمن حمایت‌های مادی و معنوی از بزهکار می‌باشند برای بازگشت او به جامعه از طریق بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، ارتقای سطح زندگی فردی، کاهش امکان دسترسی به آماج‌های مجرمانه و تمرین برای خوگرفتن فرد با زندگی سالم اجتماعی و انصراف از مسیر زندگی مجرمانه.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

رویاریویی با بحران بزهکاری مستلزم رویکردی چند جانبه و در برگیرنده الگوی سازمان یافته‌ای از پیش‌گیری است که همراه با زیرساخت‌های جرم‌شناسانه عدالت کیفری در کنترل بحران از طریق گستره واکنش‌های مناسب، موثر، کارآمد و سازگار با شخصیت بزهکار باشد.

با به چالش علمی گذاردن فرضیه‌های این نوشتار مبنی بر اهمیت انکار ناشدنی پرونده شخصیت در پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان و کارکردهای موثر آن در برنامه‌ریزی‌های مداخله جویانه، می‌توان لزوم اقدام سریع نظام عدالت کیفری ایران را برای رفع خلاء مربوط به تشکیل پرونده مذکور - حداقل در مورد دادرسی جوانان -، در فرآیندی جامع پیشنهاد نمود. **پیشنهادی متضمن تاکید بر؛ لزوم خروج از شرایط بحران، ضرورت تفرید در تعیین واکنش کیفری و شناخت نتایج زیان‌بار حرکت مجرمان در مسیر حیات مجرمانه.** پوشش این خلاء بدون تردید مستلزم تقویت دانسته‌ها و آموزه‌های جرم شناختی دست اندرکاران عدالت کیفری است تا با کمک صاحب نظران روان‌شناسی، پزشکی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی به توانمندسازی نهادهایی پرداخته شود که به نحو تخصصی توجه خود را در امر شناخت شخصیت بزهکاران به ویژه بزهکاران جوان و نوجوان متمرکز می‌نمایند و عدالت کیفری با استفاده از نتایج چنین مطالعاتی، در مراحل مختلف تحقیق، محاکمه، صدور حکم و اجرای مجازات، امکان توسل به روش‌های پیشگیرانه، اصلاحی، درمانی و بازدارنده را به نحو موثری در دسترس خواهد داشت، تدابیری که از تولد «آبرزهکار» در جامعه جلوگیری خواهند کرد.

این مطالعه نشان داد که پرونده شخصیت، شناخت شخصیت جنایی را تسهیل می‌نماید، طبقه‌بندی بزهکاران را میسر می‌سازد، عمده عوامل فردی و اجتماعی بزه‌زایی را که جوانان و نوجوانان جامعه در معرض آن هستند روشن ساخته و متولیان امور کیفری را در تقویت روش‌های پیشگیری اولیه توانمند می‌نماید. از سوی دیگر با تبیین نواقص فردی (جسمی - روانی) و اجتماعی بزهکار، گزینش نوع واکنشی متناسب با کنش‌های بزهکارانه جوان را کارآمدتر ساخته و از قرار گرفتن در بی‌راهه‌هایی که موجب سقوط مجدد بزهکار در ورطه بزهکاری می‌شود، جلوگیری می‌نماید. مجموعه شرایطی که هزینه کمتری را بر دوش عدالت کیفری خواهند گذارد و اجتماع را نیز از بحران بزهکاری رهایی خواهند بخشید.

از همین روی با در نظر گرفتن نردبان مجازات‌های اسلامی که اعمال نهاد تفرید کیفر را در مجازات‌های تعزیری در پرتوی قاعده «تعزیر به مایراه الحاکم» میسر ساخته و قاضی را مجاز به حرکت در مسیر حداقل تا حداکثر مجازات قانونی پیش بینی شده از سوی قانون گذار می‌نمایند، نظام عدالت کیفری ایران ناگزیر از پراساختن خلاء قانونی فعلی است و این امید وجود دارد که با تصویب لوایح جدید قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری سیاست قانون‌گذار به سمت تصریح ضرورت تشکیل پرونده شخصیت به ویژه در رسیدگی به جرایم از درجه مهم و جرایم افراد زیر ۱۸ سال حرکت نماید. مخصوصاً که با تغییرات ایجاد شده در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی برخی ساز و کارهای نوین پیشنهادی از جمله

جایگزین‌های حبس یا برنامه‌هایی چون تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و مانند اینها - که مستلزم تطبیق واکنشی مناسب با شخصیت بزهکار می‌باشند - بدون تشکیل پرونده شخصیت کاربردی نخواهند داشت.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

- بابایی، محمدعلی (۱۳۸۳)، پیش‌گیری از تکرار جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷.
- دادستان، پریخ (۱۳۸۲)، روان‌شناسی جنایی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- زرمان، ژان (۱۳۷۸)، **دادرسی نوجوانان، آموزه‌های تجربی**، ترجمه حمید مرعشی، مجموعه سخنرانیهای ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، قوه قضاییه و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، سیون سوئیس.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی کجروی**، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- غلامی، حسین، (۱۳۸۷)، **تکرار جرم، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- متولی‌زاده نایینی، نفسیه (۱۳۸۶)، **پیش‌گیری رشدمدار (زودرس)**، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره دوم.
- موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۳)، **کودکان و نوجوانان معارض قانون و واکنشهای اجتماعی**، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- مهرا، نسرین، (۱۳۸۳)، **ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ویلز**، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۷۵-۱۳۷۴)، **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی**، به گردآوری رزیتا دارویی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۸۰-۱۳۷۹)، **تقریرات درس جرم‌شناسی**، به گردآوری محمد حسین احمدی شاملو، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده بهشتی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، هاشم (۱۳۷۳)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ولد، جرج و برنارد. توماس و اسپنپس. جفری (۱۳۸۰)، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).
- ویلیامز، فرانک پی و مک‌شین، ماری لین دی (۱۳۸۶)، **نظریه‌های جرم‌شناسی** ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

ب - خارجی

- Bevc. Irene, Duchesne. Thierry, Rosenthal, Jeffrey (2003), **Young offenders diagnoses as predictors of subsequent adult criminal behavior**, Annual convention of the American Psychological association, Toronto, Canada.
- Delisi. Matt (2005), **Career Criminals in Society**, Sage Publication California- USA.
- Farrington. D.P, (1992) **Criminal Career research in United Kingdom**, BRJ Criminal.
- Ge, Xiaojia, Donnellan, Brent, Wenk, Ernest, (2003). **Differences in personality and Patterns of Recidivism Between Early Starters and other Serious male offender**, JAM Cad psychiatry law, University of California.

- Harrington, Richard ,(2003), **The Scope for prevention antisocial personality disorder by intervening in adolescence**, Report from the National programme on forensic Mental Health R&D Seminar Preventing Personality Disorder by intervening on adolescence held in Manchester.
- Hemmati, Toni, Mills. Jeremy. F, Kroner. Dray. L.C, (2004), **The Validity of the Bar - on emotional intelligence quotient in an offender population - personality and Individual Differences**, Science Direct Canada.
- Hosak. Ladislav, Preiss. Mark, Halir. Martin, Cermakova. Eva, Csemy. Ladislav, (2004), **Temperament and character inventory personality profile in methamphetamine abuser: a Controlled study**, European Psychiatry.
<http://www.elsevier.com/locate/eurpsy>
- Maltz, Michael. D, Stephen. M. Pollock, (1980), **Artificial in fraction of delinquency real by a selection artifact**, Operations Research, 28 (3).
- Moffitt.T.E, Caspi. A, Harrington. H, Milne. B.J. (2002), **Moles on the life - course Persistent and adolescence, limited antisocial pathways: Follow up at age 20 years**, Development and psychopathology.
- Nagin. D. S, Paternoster. R, (2000), **Population heterogeneity and state dependence**, State of evidence and direction for future research, Journal of Quantitative Criminology.
- O'Connor. T, (2006), **Moral Development and Developmental theories of crime**, Mega links in Criminal justice: <http://www.aspsu.edu/oconnort/restofURL>
- Spellman. William, (1994), **Criminal incapacitation**, Plenum press, New York.
- Steiner, Hans, Cauffman. Elizabeth, Duxbury, Elaine (1999), **Personality Traits in Juvenile delinquents, Relation to Criminal Behavior and Recidivism**, child Adolescent psychiatry, California.
- Sullivan, Christopher, Veysey, Bonita, Hamilton. Zachary, Grillo. Michele, (2007) **Reducing out of community placement and Recidivism: Diversion of Delinquent youth with Mental Health and Substance Use Problems from the Justice system**, International Journal of offender therapy and Comparative Criminology, SAGE Publication.
- Trasler, Gordon (1979), **Delinquency, Recidivism and Desistance**, The British Journal of Criminology, Volume 19, Number.

